

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیامک ستوده

۰۷ می ۲۰۱۶

غفلت دیروز و وظیفه امروز آیا روحانیت حاکم بر ایران غیر ایرانی است؟

ناسیونالیسم ایرانی پدیده ای بی منطق، دروغگو و هرجائی است. هرچه به زبانش بیاید می گوید. بدون هیچ گونه وجدان علمی و کوچک ترین پای بندی به حقیقت، برای رسیدن به مقصود خود، به طور بوالهوسانه ای، مدعی هر آنچه که می خواهد می شود. برایش ابداً مهم نیست آنچه را که می گوید ذره ای از واقعیت در آن وجود داشته یا نداشته باشد. در مورد تاریخ بی محابا دروغ می گوید، از کاه کوه می سازد، تمام قوانین تاریخ را، حتی همانهایی را که ناسیونالیسم اروپائی که باید قاعداً الهام بخشش باشد، کشف نموده، به راحتی زیر پا می گذارد و راجع به شاهان باستان به تحریف صریح و گاهی خنده آور واقعیت می پردازد. کورش را بزرگترین ناجی حقوق بشر اعلام می کند، برده داری را سرخود از تاریخ هخامنشی حذف می نماید، به میل خود به زنان کارگر ایران باستان حقوق برابر با مردان و حتی مرخصی با مزد برای ایام بارداری و زایمان می دهد، و حتی در مقاله ای ادعا می کند "اقتصاد ساسانیان ترکیبی از سرمایه داری و سوسیالیسم بوده (است) ... و همه مردم بیمه بوده اند، بدون این که حق بیمه و عوارض پرداخت کنند".

این خصوصیت ناسیونالیسم ایرانی البته امری اتفاقی و بدون دلیل نیست، بلکه به خاطر آنست که ناسیونالیسم ایرانی، همچون کودکی لوس و نونور، در دامن گرم و نرم دیکتاتوری رضا خانی و محد رضا شاهی پرورانده شده است. در شرایطی که در کنف حمایت شاهنشاهی هرجرفی را که می خواسته، بدون نگرانی از هر سؤالی، به میل خود می زده و می نوشته. درست همانطور که در شرایط کنونی جمهوری اسلامی و دیکتاتوری مذهبی، پوسیده ترین افکار و خنده آورترین ادعاها، بی آن که کسی اجازه زیر سؤال بردن آنها را داشته باشد، به بازار فکر، و بهتر بگویم بی فکری عرضه می شود.

یکی از این نوع ادعاها بی پایه ناسیونالیسم ایرانی ادعای غیر ایرانی بودن جماعت روحانیون و آخوندهای حاکم بر کشور است. به این معنا که ناسیونالیست ها آنها را غیر ایرانی و اشغالگرانی می دانند که بناحق بر ایران مسلط شده اند. واضح است که یک چنین ادعای غریبی بر پایه این پیش فرض به شدت ناسیونالیستی بنا شده است که چیز بد نمی تواند ایرانی باشد. چه ادعای خنده آوری! هرچه که ایرانی است خوب و اگر چیزی بد است حتماً غیر ایرانی است. گویا ایران و ایرانی چنان پدیده های پاک، منزّه و مقدسی هستند که هرگز صفت بدی را نمی توان به آنها

متصف کرد. این نظر به شدت نژادپرستانه، جز این که نیازی به اثبات بی پایه بودنش نیست، همچنین به این خاطر که امروزه از نظر علمی اساساً موجودیت نژادی به نام آرائی زیر سؤال رفته، موضوعیت خود را نیز از دست داده است.

اما دلیل دیگری که ناسیونالیست های ایرانی برای اثبات غیرایرانی بودن جماعت روحانیون حاکم بر ایران می آوردند فرهنگ نزدیک به فرهنگ عربی است که روحانیون به خاطر سوابق تاریخی شان با خود به همراه دارند. مانند لباس، مذهب و زبان عربی که مورد استفاده خود قرار می دهند. اینها دو دلیل عمده ایست که ناسیونالیزم ایرانی حاکمین روحانی را غیرایرانی و عرب می داند.

این استدلالات دو چیز درآور و خطرناک را در مورد ناسیونالیسم ایرانی برملا می کنند. اول این که، همانطور که قبلاً هم گفتیم، بی اندازه بی پایه و لق گوست. در استدلالاتش هیچ گونه منطق و اصول علمی وجود ندارد و دوم این که به همین دلیل خود با خودش در تضاد می افتد.

از نظر علمی همه کسانی که در قلمرو جغرافیائی و سیاسی واحد یعنی تحت سیادت دولت واحدی به سر می برند، مانند اقوام و مللی که در درون مرزهای ایران و قلمرو سیاسی دولت ایران زندگی می کنند، علی رغم لباس، زبان، اداب و رسوم متفاوتشان ایرانی محسوب می شوند و از آنجا که روحانیون نیز در همین قلمرو جغرافیائی و سیاسی به دنیا آمده و زندگی می کنند بی شک ایرانی محسوب شده و نمی توان به هیچ دلیلی آنها را غیر ایرانی محسوب کرد. اگر ما بخواهیم همین منطق را در مورد اقوام و ملل دیگری هم که در داخل ایران زندگی می کنند، به کار ببریم و آنها را نیز، به دلخواه خود و به دلایل واهی بالا غیر ایرانی بنامیم، با خارج نمودن ترک ها، کردها، بلوچ ها و دیگر کسی به عنوان ایرانی باقی نمی ماند، و این همان تناقضی است که ناسیونالیست ها با آن اهمیتی که به موجودیت ایران و تمامیت ارضی آن می دهند، دچار آن می شوند. از یکسو در آرزوی منضم کردن سرزمین ها و ملیت های دیگری که زمانی جزو امپراتوری های باستانی ایرانی بوده اند به خود اند، سرزمین هایی که در آنها اقوام و ملیت های کاملاً متفاوتی از نظر زبان و فرهنگ و لباس زندگی می کنند، و از سوی دیگر، در پی غیر ایرانی قلمداد کردن و بیرون انداختن روحانیون از مرزهای کشور اند.

به علاوه، این طرز استدلال در اساس با تعریف ناسیونالیست ها از جامعه مدنی که یک جامعه سرمایه داری است و قاعده‌تاً باید مورد قبول آنها باشد نیز در تضاد می افتد. چرا که اصل برابری مدنی و شهروندی افراد را نیز نقض نموده و زیر سؤال می برد. به این معنا که به خود اجازه می دهد برابری سیاسی افراد در برابر قانون و برابری حقوق شهروندی آنها را به خاطر نژاد به زعم آنان غیر ایرانی بودنشان نقض نماید. در حالی که بنابر قوانین مدنی شما نمی توانید از یک گروه از جامعه به دلایل نژادی و هر چیز دیگری خلع تابعیت نموده و آنها را غیر ایرانی بنامید.

اما مضار این لق گوئی و افسارگسیختگی در برخورد با مقولات سیاسی تنها به موارد بالا محدود نمی شود. نتیجه تبعی دیگر یک چنین لجام گسیختگی در تعریف مفاهیم سیاسی میدان دادن به فاشیسمی خواهد بود که پشت این استدلالات غیرمسئولانه در کمین نشسته است. چرا که همان ناسیونالیسمی که به خود حق می دهد، خود سرانه، قشری از جامعه را به خاطر کهنه فکری، عملکرد سیاسی، و یا تشابهات فرهنگی اش با ملل دیگر، غیرایرانی و عرب بنامد، فردا نیز همین که بر اریکه قدرت تکیه زد، به خود اجازه خواهد داد هر دسته از مخالفین خود را نیز که بخواهد، با این نوع استدلالات از حقوق حقه شهروندی خلع نموده و آنها را به نام ایرانی نبودن، و بیگانه یا عرب بودن، از مرزهای سیاسی موجود به بیرون ریخته، یا به طریقی نابود نماید.

از آنجائی که هیچ چیز مقدسی در واقعیت وجود ندارد از اینرو مقدس جلوه دادن هر چیزی تنها به کمک دلایل واهی و غیر واقعی امکان پذیر می باشد. بر همین سیاق، اگر ناسیونالیست ها امروز بتوانند به کمک تبلیغات و دلایل واهی، مانند مورد بالا، به مفهوم ایران و ایرانی جنبه تقدس بدهند، آنگاه در آینده نیز خواهند توانست همان ذهنیتی را که به قبول دلایل واهی برای اثبات هر چیزی عادتش داده اند، به راحتی برای انجام هر جنایتی به کار گیرند. اگر از همین امروز با تمام نیرو علیه هر تلاشی که بخواهد چیزی را مقدس جلوه دهد تا فردا بتواند با قرار دادن هر مخالفی در برابر آن امر مقدس، برای نابودی آن دلیل تراشی کند، مبارزه ننمائیم، فردا برای چنین کاری دیر خواهد بود.

اگر ما امروز چوب انفعال در برابر تقدس طلبی مذهبی دیروز را می خوریم، دور نیست که فردا نیز دوباره چوب انفعال امروز خود در برابر تقدس طلبی ناسیونالیستی را نوش جان نمائیم.